



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هفتاد و هفتم

موضوع:

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری
و نسبت آن با دوره تربیت و رشد اسلامی (۷)

بیست و سوم ۱۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

پیشرفت همراه با معنویت

ما از علم ترویج میکنیم، از صنعت ترویج میکنیم، از اختراع و نوآوری ترویج میکنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم مینشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت. [\(بیانات در دیدار](#)

[جوانان استان خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳\)](#)

ما ضعف داریم

نقاط ضعف نداریم؟ چرا؛ کم است؟ نه؛ نقاط ضعف هم داریم. ما در ساخت یک اقتصاد قوی ملی عقبیم. ما در استقرار عدالت اجتماعی، عدالت قضائی، عدالت اقتصادی - که «عدالت» یکی از برترین شعارهای انقلاب بوده، از بزرگترین هدفهای انقلاب بوده - عقبیم؛ کارهایی شده، کارهای خوبی هم شده، اما تا آن مقداری که باید بشود خیلی فاصله

هست؛ عقبیم. در ریشه‌کنی آسیب‌های اجتماعی عقبیم؛ در مسئله‌ی طلاق، در مسئله‌ی اعتیاد، در مسائل اخلاقی، آن مقداری که باید پیش نرفته‌ایم؛ ما عقبیم. شما یک نگاهی بکنید به فضای مجازی، مشکلات برخورد اخلاقی را آنجا مشاهده میکنید؛ این عقب بودن ما است؛ عقبیم. در تطبیق زندگی‌مان با ارزشهای اسلامی عقبیم: اسلام گفته اسراف نکنید، ما اسراف میکنیم؛ اسلام گفته اشرافیگری را بگذارید کنار، در طبقات گوناگون ما، یک عده‌ای که میتوانند اشرافیگری میکنند، یک عده‌ای [هم] از اشرافیگری تقلید میکنند؛ نمیتواند، پول هم ندارد، اما می‌رود قرض میکند برای اینکه عروسی پُرحرج برای فرزندش درست کند؛ چرا؟ اینها اشکالات ما است، اینها عقب‌ماندگی‌های ما است.

خب، گفتم نگاه به خود، ارزیابی خود، سنجش خود؛ این بر عهده‌ی همه‌ی ما است. ما اگر به خودمان نگاه کنیم، هم موقّیّتهایمان را و کامیابی‌های بزرگمان را خواهیم شناخت و بر آنها پا خواهیم فشرد و به آنها افتخار خواهیم کرد و آنها را زیاد خواهیم کرد، هم ضعفهایمان را خواهیم شناخت و درصدد رفع آنها برمی‌آییم. هر کدام وظیفه‌ای داریم؛ دولت هم وظیفه دارد، مجلس هم وظیفه دارد، مردم هم وظیفه دارند.

وظیفه‌ی دولت، مجلس و دیگر مراکز رسمی چیست؟ عزم راسخ، کار مداوم، سلامت در عمل، صداقت با مردم، ترجیح منافع ملی بر سود شخصی؛ اینها وظایف مسئولان است. من به شما عرض بکنم که امروز بحمدالله مسئولان بالای مملکت از این امتیازات برخوردارند، منتها در کلّ سطح مسئولان دولتی و قضائی و غیره باید این خصوصیات مثبت وجود داشته باشد و گسترش پیدا کند. حالا نمی‌خواهیم بگوییم این مشکلاتی که هست تقصیر چه کسی بوده؛ آن یک حرف دیگری است،

فعلاً آن را نمیخواهیم بگوییم. میخواهیم ببینیم امروز وظیفه‌ی ما و وظیفه‌ی دولت، چیست.

وظیفه‌ی نخبگان این است که خلأها را شناسایی کنند، منافذ خطر را شناسایی کنند، راه‌های رفع خلأ را و بستن منافذ خطر را جستجو کنند، بررسی کنند و به دولت‌ها کمک فکری کنند، به مجلس‌های شورای اسلامی کمک فکری کنند، به مسئولین کمک فکری کنند؛ نخبگان وظیفه دارند. در یک جامعه‌ی زنده و بانشاط، نخبه‌ی ملت احساس وظیفه میکند، وظیفه‌اش هم اینها است.

جوانها وظیفه دارند؛ وظیفه‌ی جوانها - که البته وظایف زیادی هست - در درجه‌ی اول، این است که صلاحیتهای لازم برای نقش‌آفرینی فردا را در خودشان ایجاد کنند؛ جوانها میتوانند نقش‌آفرینی کنند. امروز شما ملاحظه کنید چقدر جوان زبده رفته‌اند در بدنه‌ی دولت مشغول کار شده‌اند؛ خوب اینها باید در خودشان این صلاحیتهای را ایجاد کنند؛ جوانها آماده باشند برای حضور در میدانهای گوناگون؛ خودشان را آماده کنند برای کشیدن بارهای سنگین. جوانها پیشرانند، پیشران جامعه‌اند؛ خودشان را از لحاظ صلاحیتهای گوناگون اخلاقی و علمی و غیره، برای نقش‌آفرینی در پیشرانی آماده کنند.

عموم مردم وظیفه دارند. البته وظایف مختلف است؛ یک کاسب یک وظیفه‌ای دارد، یک کارمند اداره یک وظیفه‌ای دارد، یک روحانی یک وظیفه‌ای دارد. هر کدام از امثال این افراد گوناگون وظایفی دارند، اما وظیفه‌ی عمومی، حمایت از مسئولان، حمایت از خدمتگزاران، حمایت از کارهای خوب است؛ این یکی از وظایف است.

یک وظیفه‌ی اساسی و مهم که هم وظیفه‌ی مردم است، هم وظیفه‌ی مسئولین است، هم وظیفه‌ی نخبگان است، هم وظیفه‌ی

جوانان است، هم وظیفه‌ی دانشجو و روحانی و غیره است، این است که به یاد داشته باشند همه‌ی این کارهایی که ما می‌گوییم انجام بدهند، جهاد است. «جهاد» یعنی چه؟ «جهاد» یعنی آن تلاشی که در مقابل یک دشمن انجام می‌گیرد؛ «جهاد» یعنی این. این کارهایی که گفتیم، جهاد است؛ گفتیم نخبگان فلان کار را نکنند، یعنی این کار را با توجه به اینکه یک دشمنی می‌خواهد این کار انجام نگیرد [بکنند]؛ در مقابل دشمن است، پس جهاد است؛ جوانان این کار را انجام بدهند، بدانند که دشمن می‌خواهد این کار انجام نگیرد؛ مردم از مسئولین حمایت کنند، اتحاد خودشان را حفظ کنند، توجه داشته باشند که دشمن می‌خواهد این کار انجام نگیرد؛ اگر کردند، عمل جهادی انجام داده‌اند؛ «جهاد» یعنی این. دشمن با هر کار خوبی که در نظام جمهوری اسلامی انجام بگیرد مخالف است؛ این ادّعای محض نیست، استدلال دنبالش است. علّتش این است: نظام جمهوری اسلامی نظام «لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» است. قرآن به ما گفته «لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ هم ظلم نکنید، هم زیر بار ظلم نروید، به هیچ قیمت ظلم را نپذیرید. این نظام جمهوری اسلامی است. خب، آن نظام‌هایی که اساسشان برای ظلم کردن به وجود آمده، با یک چنین نظامی مخالفند و این طبیعی است؛ لذا هر پیشرفتی که در جمهوری اسلامی پیش می‌آید، آنها را عصبی میکند. پس این کارها را انجام بدهید، با توجه به اینکه دشمن در مقابلتان هست. [\(بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی؛ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹\)](#)

سبک زندگی دینی و حیات طیبه

یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین میکند، پیش‌رانی در علم و تمدّن جهانی است. یک ملّتی بتواند در مجموعه‌ی دانش جهانی و

مدنیّت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کلّ بشریّت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریّت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیّبه است. غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفتهای مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرفهای جدید زدند، هنوز هم دارند میزنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر میگذارند منتها کاری میکنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد میکنند. شما امروز ملاحظه کنید در فرهنگ غربی زشت‌ترین و شنیع‌ترین کارها دارد شکل عادی، عرفی، قانونی میگیرد که اگرچنانچه کسی با اینها مخالفت بکند، محکوم میشود که چرا مخالفت میکند؛ به صرف اینکه انسان دلش میخواهد! خب، خیلی چیزها انسان دلش میخواهد. کار این پرده‌داری‌ها در غرب به کجا خواهد رسید؟ راه علاج ندارند؛ یعنی راه خلاص قطعاً ندارند؛ این راهی که اینها دارند میروند، این جور که اینها دارند در انحطاط اخلاقی پیش میروند، پدر غرب را در خواهد آورد، نابودشان خواهد کرد. بیچاره مردمشان، انسان دلش برای مردم این کشورها و این ملت‌ها میسوزد؛ مردم بیچاره‌ای هستند. نخبگان، تأثیرگذاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، روی اهداف خبث و پلید خودشان کارهایی دارند میکنند. خب، پس پیش‌رانی در علم و تمدن بشری، همراه با معنویّت، همراه با معنویّت. آن روز در یک مجموعه‌ای - به نظرم پخش هم شده - گفتم فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلاً با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون جمعیت با پیشرفتهای شگرف مادی و علمی و صنعتی و با استقرار معنویّت و عدالت؛ ببینید چه میشود؛ چه جاذبه‌ای در بین آحاد بشر - مسلمان و غیر مسلمان - به وجود می‌آورد؛ میخواهند این اتفاق نیفتد. حیات طیّبه یعنی این؛

یعنی برویم به سمت یک چنین وضعی برای زندگی کشور؛ انقلاب می‌خواهد ما را به اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به سمت حیات طیبه تمام نشدنی است. أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ (۹) این همان صیورت به سمت خدا [است]. [صیورت یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روزه‌روز بهتر بشود؛ این را می‌گویند صیورت؛ بشر به سمت خدا صیورت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این صیورت در آن وجود داشته باشد؛ این صیورت تمام نشدنی است؛ همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است. (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۴/۶/۲۵)

مدرسه تربیت و رشد اسلامی

mtarbiat.ir